

حرف آزاد استاد

علم کافی نیست

دکتر روح‌الله فکوری

موسس و پیمارستان شفاخرم آباد

در سال ۱۶۲۰ میلادی، فرانسیس بیکن بیانیه‌ای علمی به نام «انراژنوین» منتشر کرد و در آن اثر عنوان کرد که دانایی، توانایی است. بیکن در بیانیه‌اش گفته بود: «آزمون واقعی دانش این نیست که صحت داشته باشد؛ بلکه این است که ما را قدرتمند کند، کارایی داشته و سودمند باشد.»

سال‌ها قبل از بیکن اما فردوسی بزرگ بیت «توانا بود هر که دانا بود» را سروده بود تا اهمیت قائل شدن برای علم و دانش را به نام ایرانیان ثبت کند.

اهمیت دانایی و تأثیر آن بر تمامی وجوه زندگی انسان‌ها حقیقتی است که در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشید. حقیقت این است که در همه زمینه‌ها، از صنعت و کشاورزی و پزشکی گرفته تا بانکداری و کشتیرانی و حتی جنگ؛ هر طرف که داناتر است، تواناتر و قدرتمندتر است.

در جنگ جهانی اول هنگامی که همه کشورهای درگیر، در باتلاق جنگ سنگری بی‌پایان گرفتار شده بودند، این دانشمندان و مهندسان بودند که با کشف و اختراع انواع هواپیماهای شکاری، بمب‌افکن‌ها، گازهای سمی، تانک، زیردریایی و مسلسل‌های اتوماتیک، جنگ را به نفع ارتش‌های خود به پایان رساندند و البته این کارکرد نامطلوب از دانش نیز حقیقتی است که باید در جای خود مورد توجه قرار گیرد.

در جنگ جهانی دوم نیز وقتی ایتالیایی‌ها که متحد آلمان بودند، موسولینی را سرنگون و تسلیم متفقین شدند و ارتش‌های انگلیس، شوروی و آمریکا در حال پیشروی به سمت آلمان بودند، آنچه آلمانی‌ها را امیدوار می‌کرد تا در مقابل این حملات مقاومت کنند، چشم‌امید به دانشمندانی بود که به‌زودی سلاحی کارآمدتر از همه سلاح‌های متفقین خواهند ساخت! گرچه اینچنین نشد و رقبا که البته در توانمندی‌های علمی، جلوتر بودند، با اختراعی مهیب جنگ را به نفع خود به پایان بردند. تا همین ۲۰۰ سال پیش تقریباً تمام مردم دنیا، صاعقه را ناشی از خشم خدا و عذاب الهی می‌دانستند و در آن تردیدی نداشتند. وقتی بنجامین فرانکلین با یک آزمایش ساده نشان داد که رعد و برق چیزی جز یک جریان ساده الکتریکی نیست و براساس آن برق‌گیر را اختراع کرد، سرانجام بشر پاسخ یکی از هزاران سوال خود را گرفت.

تا همین اواخر بیماری‌ها هم ماهیت مبهم و رازآلودی داشتند. در ۱۱۹۹ میلادی شانه‌چپ ریچارد شیردل، پادشاه انگلیس، مورد اصابت پیکانی قرار گرفت و ظرف چند روز عفونی شد. از آنجا که تنها چاره عفونت برای جلوگیری از «قانقاریا» یا همان «گانگرن» در آن زمان - حتی تا قرن ۱۹ میلادی فقط قطع عضو بود و شانه را نمی‌شد قطع کرد، ظرف دو هفته با علائمی که امروز شوک سپتیک نامیده می‌شود، درگذشت؛ در حالی که درمان چنین جراحاتی، امروزه به راحتی قابل انجام است، چرا که در سال ۱۸۱۵ بعد از نبرد واترلو، کوهی از دست و پای قطع‌شده برای جلوگیری از گانگرن توسط نجاران و قصابانی که وارد ارتش شده و در اختیار یگان پزشکی قرار گرفته بودند، ایجاد شد. نکته پنهان در همه این تجربیات تاریخی این است که علم نمی‌تواند در خلأ و بی ارتباط با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رشد کند، بلکه علم هم مانند سایر فعالیت‌های فکری و فرهنگی بشر، از تعامل با مصلحت‌های اجتماع شکل می‌گیرد و تنها در فضایی تعاملی و در نتیجه تأثیر و تأثر بر حوزه‌های دیگر است که می‌توان به رشد علمی در جامعه‌ای امیدوار بود. شرایط امروز ایران نشان می‌دهد با وجود اندوخته‌های علمی فراوان و سطح دانایی روبه‌رشد آحاد جامعه، هنوز نتوانسته‌ایم از این انباشت گرانیه‌ها چندان استفاده‌ای بکنیم و اکثر فرآیندهایی که مصالح و امور جاری جامعه ما را شکل می‌دهد، به دور از دستاوردهای علمی و در خلأ دانایی و تنها براساس تجربیات محدود همراه با سوگیری طراحی و اجرا می‌شوند. باید توجه داشت که علم فعالیت بسیار پرخرج است و به توجیه مذهبی و پشتیبانی سیاسی و اقتصادی نیازمند است و علت اساسی عدم پیشرفت علمی ما و همچنین فقدان مبنای علمی در قوانین مصوب و برنامه‌های اجراشده در کشور را باید در عدم هماهنگی و مساعدت بین این سه دانست. اینکه به‌رغم افزایش صعودی تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان، پیشرفت واقعی علمی نداریم، ریشه در همین مساله دارد. پیشرفت علمی به تقویت متقابل علم، اقتصاد و حکومت (سیاست) بستگی دارد و این سه باید هم‌دیگر را تقویت کرده و در یک راستا باشند تا بتوان به‌رشد علمی کشور و اصلاح روندهای جاری امیدوار بود.

دانستنی‌های دانشجویی

پارافریز کردن چیست

Paraphrasing یک روش موثر جهت تلفیق ایده‌های سایر نویسندگان برای نوشتن متون مقالات پیشرفته است. اگر نویسنده مقاله دقت لازم را نداشته باشد، بدون اینکه متوجه آن شود، می‌توانید سرعت کرده که دزد ادبی شناخته می‌شود. پارافریز به معنی تفسیر و تحلیل یک جمله از مقاله یا متن است. در صورتی که به طور غیرمعد، متنی را از مقالات دیگر بخواهیم بنویسیم، از تکنیک‌های پارافریز (Paraphrasing) جهت رفع سرقت ادبی (Plagiarism) استفاده می‌کنیم. این امر علاوه بر تقویت مقاله نویسی موجب می‌شود زمانی که محقق در حال تهیه مطلب یا مقاله‌ای است، از رعایت قوانین علمی-ادبی در اثر خود اطمینان حاصل کند. همه ما وقتی برنامه‌های تلویزیونی را تماشا می‌کنیم و ممکن است بخواهیم به دوستان مان، خانواده یا همکاران مان در مورد آنچه در برنامه تلویزیونی اتفاق افتاده است، چگونگی و چرایی این اتفاق را شرح دهیم، داستان، شخصیت‌های اصلی، حوادث و نکات مهم را با استفاده از کلمات خودمان تفسیر می‌کنیم. این Paraphrasing است؛ استفاده از کلمات خود برای بیان پیام یا ایده‌های دیگران. در تفسیر، ایده‌ها و معانی منبع اصلی باید حفظ شود؛ ایده‌های اصلی باید از بین برود، اما اصطلاح باید برای خود شما باشد.



دانشگاه

مرتبط با صفحات ۱۲ و ۱۳

قبل از مستند فکر می‌کردم بازرگان مخالف مبارزه مسلحانه بوده

محمد رضا کاتینی

اهمیت مستند «راه طی شده» در درجه اول نگاه بخشی از نسل سوم انقلاب به شخصیتی که هم سابقه مبارزاتی داشت و هم خودش را مقید به قرآن می‌دانست و هم در یک بازه زمانی طولانی بعد از مرداد ۱۳۳۲ تا پایان حیاتش در بهمن ۱۳۷۳، نقش آفرینی سیاسی داشت. طبیعی است که در فاصله کناره‌گیری سیاسی مهندس بازرگان بعد از آبان ماه ۱۳۵۸ تا فوت او و بعد از آن تا امروز اسناد، دیدگاه‌ها و گمانه‌هایی درباره او منتشر شده و بخشی از نسل سوم

انقلاب به این فکر افتاده است تا این گمانه‌ها و اسناد را جمع‌بندی و در قالب یک مستند ارائه کند. حساسیت نسل سوم انقلاب نسبت به یک جریان سیاسی و ملی کشور در مستند «راه طی شده» متجلی است. از این جنبه می‌توان این مستند را در خور اهمیت دانست اما کلمه «راه طی شده» از یکی از کتاب‌های بازرگان گرفته شده و کنایه‌ای است که در این مستند قرار گرفته است. در نگاه اول این مستندی که درباره بازرگان ساخته شده، می‌توانست متوجه کلیت شخصیت و تلاش‌های سیاسی او باشد اما منحصراً شده است به رابطه مهندس بازرگان با سازمان مجاهدین. به عبارت روشن‌تر نقش نظری و عملی مهندس بازرگان در شکل‌گیری یک سازمان سیاسی، نظامی اپوزیسیون در اوایل دهه ۴۰ و کارکرد آن سازمان تا پایان دهه ۶۰ در این فیلم می‌بینیم. شاید تنها اشکالی که به این مستند وارد است اینکه «راه طی شده» می‌توانست معطوف به کلیت زندگی سیاسی مهندس بازرگان باشد، نه اینکه بخواهیم فقط نسبت او را با سازمان مجاهدین بسنجیم.

اما چیزی که در فرآیند تولید این مستند جالب بود، اینکه دوستان یکی دو بار بعد از تولید این مستند پیش من آمدند و با هم صحبت کردیم. من تأکید داشتم آنچه در مورد مهندس بازرگان گفته می‌شود که او در دادگاه سال ۴۲ گفته بود، گروه‌هایی که بعد از ما می‌آیند دیگر با زبان قانون یا شما حرف نمی‌زنند؛ صرفاً یک پیشگویی و پیش‌بینی از ورود به فاز نظامی، از طرف او بوده است. اما در این مستند و با دیدن گفت‌وگوها می‌بینیم که ایشان تشویق به پیدایش گروه‌های مسلحانه داشتند. باور این مساله و بالطبع صلح‌جویی‌ای که از بازرگان سراغ داشتیم خیلی سخت بود تا زمانی که مصاحبه‌ها را آوردند و خیلی‌ها معتقدند که او به دلیل پیری و خلق و خوی شخصی اسلحه به دست نگرفته است؛ اما مبارزات مسلحانه را تجویز می‌کرده است. این یک درجه جدیدی بود به سمت ذهن من که مطلق فکر می‌کردم و او را از مبارزات مسلحانه میرا می‌دانستم. قبلاً هم با توجه به تبلیغات و پروپاگاندای جریان نهضت آزادی و ملی-مذهبی مبنی بر اینکه بازرگان اساساً قانون‌مدار بود و به مبارزات خشن، تند و مسلحانه اعتقاد نداشت. این در ذهن من جا گرفته بود؛ اما با کمال تعجب الان می‌بینیم که اطرافیان ایشان هم می‌گویند که او این نوع مبارزه را تجویز می‌کرد. این مساله یکی از مکشوفات من از این فیلم بود و برای همین برام جذاب بود. قبل از این مستند، دو مستند دیگر در مورد مهندس بازرگان داشتم، اما آن دو مستند، بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و از طرف نهضت آزادی یا ملی-مذهبی‌ها ساخته شده است. اما در مورد «راه طی شده» بهتر است بگویم که این اولین مستند انتقادی در مورد مهندس بازرگان است و چون حاصل خلاقیت یک کارگردان نسبتاً وارد در عرصه سینماست خیلی خوش ساختار شده است و با توجه به تولید صحنه‌ها و المان‌هایی که در مستندهای تاریخی سابقه نداشته، طبعاً جذابیتش را زیاد کرده است و به‌عنوان کار اول، کار خوبی از آب درآمده است.

۴ کتاب برای شناخت آرای مهندس مهدی بازرگان

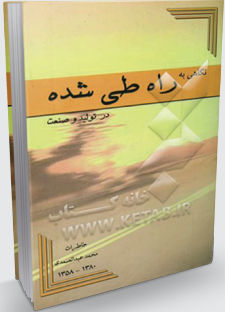
۶۰ سال خدمت و مقاومت

کتاب حاضر جلد اول از خاطرات مهندس مهدی بازرگان و حاصل مصاحبه سرهنگ غلامرضا نجاتی با او است که در ۱۰ فصل با عناوین ذیل تنظیم شده است: «در سایه پدر و در آغوش مادر، تحصیلات در ایران (اولین مدراس ایران به سبک جدید)، کودتای اسفند ۱۲۹۹ (خاطراتی از کودتای رضاخان و تغییر سلطنت، جامعه‌شناسی مردم ایران، اعزام محصلان به اروپا، بازگشت به ایران، بازرگان در صحنه سیاست، رفرازدوم به‌همین ۱۳۴۱ در دادگاه نظامی و دادگاه تجدیدنظر نظامی.



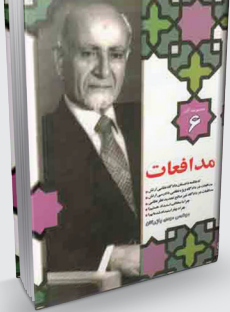
راه طی شده

مهندس بازرگان در مقدمه کتاب «راه طی شده» می‌گوید: «بشهر در سیر تکاملی خود، راهی جز راه انبیا نپیموده و روزه‌به‌روز به مقصد آنها نزدیک می‌شود اما خواهید دید فاصله به قدری زیاد است و انبیا آنقدر جلوتر از مردم و بزرگ‌ترین نوابغ رفته‌اند که بشریت سال‌های سال باید رنج ببیند و پیش برود تا رشد کافی برای درک صحیح معانی و اجرای درست مقاصد آنها را احراز کند.» مستندی که علی ملاقلی‌پور ساخته برگرفته از این نام است. البته کسانی که این کتاب را می‌خوانند، باید نقد شهید مظهری را هم در کنار این کتاب بخوانند.



مدافعان

این مجموعه مشتمل است بر مدافعان «مهدی بازرگان» - از بنیانگذاران نهضت آزادی در دادگاه بدوی و تجدیدنظر نظامی است. گفتنی است، وی به همراه آیات‌الله سیدمحمد طالقانی و یدالله سجادی (از دیگر بنیانگذاران نهضت آزادی) طی ادعانامه‌ای به اتهام اقدام ضد امنیت کشور و مخالفت با اساس حکومت رژیم سلطنت مشروطه، محکوم شدند. در نخستین جلسه تشکیل دادگاه، سران نهضت آزادی به نشانه اعتراض به عدم صلاحیت دادگاه نظامی، سکوت اختیار کردند و حاضر به دفاع از خود نشدند.



نهضت آزادی ایران از تاسیس تا انشعاب

کتاب «نهضت آزادی ایران از تاسیس تا انشعاب» اثر «عباس طایفه» و «احسان کیانی» است که نگاهی تحلیلی به تاریخ، سیر شکل‌گیری و تداوم حیات سیاسی نهضت آزادی ایران از اوایل دهه ۳۰ تا اواخر دهه ۵۰ شمسی دارد. این اثر با رویکرد سیستمی «تالکوت پارسونز»، تحولات و جناح‌بندی‌های درونی این گروه را مورد بررسی قرار داده است. فصل اول کتاب «تبیین چرایی به کارگیری این چارچوب نظری» است.



دیدگاه‌های بازرگان متأثر از ابوالحسن فروغی بود

عقوب توکلی

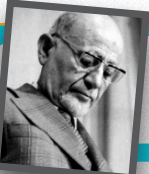
یکی از نقاط قوت مستند «راه طی شده» این است که اظهارنظرهای دوستان و نزدیکان مهندس بازرگان در آن آمده است و نقدها در حد نریشن است. گفت‌وگوها هم با کسانی صورت گرفته است که به‌شدت در حال تمجید از مهندس بازرگان هستند و در جایی از مستند، آقای توسلی یک ادبیات تمجیدی و ساخت‌سازی برای او ایجاد کرده که به‌نظم به واقعیت نزدیک نیست. چند اتفاق خوب، در این مستند افتاده است، اول اینکه بستر فکری مهندس بازرگان را تا حدودی آشکار می‌کند و اینکه چقدر دیدگاه‌هایش

متأثر از نظرات ابوالحسن فروغی است و این یکی از جدی‌ترین مواردی است که تا به حال در مورد مهندس بازرگان گفته نشده و نظام فکری او از این جهت مورد واکاوی قرار نگرفته بود. برای نسل امروز خیلی مهم است که جریان روشنفکری و تأثیر آن روی جامعه دینداران، روشنفکر را بهتر بشناسد. البته باید یادآور شوم که فروغی خودش نیاز به واکاوی شدیدتری دارد.

بحث دیگری که در مستند دیده می‌شود، فاصله گرفتن مهندس بازرگان از فعالیت‌ها و تلاش‌های سیاسی در سال‌های بعد از زندان ششاه است و این هم به‌خاطر تعهدی بوده که بعد از آزادی داده بود و ملاحظاتی که داشت. ولی همان‌طور که در مستند خواهید دید، این آقایان در فضای انتفاع سیاسی و تاریخی انقلاب ایران توانستند اظهارنظر کنند و کسی چیزی را پنهان نکرد و این در سایه انقلاب اسلامی فراهم شد. اینها در سایه انقلاب امام نشستند و آزادانه و شجاعانه هرچه که مدنظرشان بود، بیان کردند.

یکی دیگر از بحث‌های مهمی که سال‌ها در جاهای مختلف بیان شده، موضع‌گیری این آقایان در قبال جنگ و انقلاب اسلامی ایران است. حتی مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» متأسفانه این اظهارنظر را دارد که جنگ ادامه انقلاب بود و به نوعی تقصیر جنگ را به گردن مردم ایران می‌اندازد و به اعتقاد من، این یک فاجعه تاریخی بود که آقایان مرتکب شدند. اینها تهمت آغاز جنگ را به‌رغم اینکه چهره پلید و خشن صدام را دیده بودند و نسبت به آن آگاهی داشتند، باز هم این موضع را گرفتند. اگر این آگاهی را هم نداشتند که باید بدیریم به لحاظ سیاسی خیلی پرت بودند.

همین‌طور اشتباه دیگری که اینها داشتند بحث پایان جنگ در دوره بعد از فتح خرمشهر را به صورت مطالبه مطرح می‌کردند. ولی این سوال را هم کارگردان مستند «راه طی شده» بارها در طول مستند مطرح می‌کند که شما قبل از خرمشهر کجا بودید؟ و همه‌شان به اتفاق می‌گویند که نه‌تنها حضور نداشتند، بلکه احیاناً هوادار رزمندگان هم نبودند. اما این مساله که آقایان در مساله دفاع از کشور هیچ حضوری نداشتند، حتی حاضر نشدند به جبهه بروند و از حال رزمندگان خبر شوند و در حد احوال‌پرسی به آنها قوت قلب داده و روحیه آنها را بالا ببرند. این خیلی چیزها را ثابت می‌کند. به قول شهید چمران در مواقع خطر مرد و نامرد مشخص می‌شود و فکر می‌کنم فلاح مقدس به اندازه کافی مرد و نامرد را از هم مشخص کرده است. یک نکته دیگر در این مستند، بحث پذیرش بیوند سازمان مجاهدین خلق و نهضت آزادی با یکدیگر بود و این نکته مهمی است و شاهد هستیم که مهندس بازرگان در مصاحبه‌هایش نه‌تنها آنها را محکوم نمی‌کرد بلکه از آنها به‌عنوان فرزندان مجاهد یاد می‌کرد.



۲ روایت متفاوت از ماجرای لغو مراسم «من بهشتی هستم» در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

از تالار ایستاده بودند، سخنرانی علیرضا بهشتی شروع شد. سپس دانشجویان وارد تالار شدند. با اینکه پیش از این گفته شده بود مخاطبان این برنامه دانشجویان هستند، اما دیده شد بیشتر افراد حاضر در جلسه از شهرداری هستند و نیروهای امنیتی شهرداری مانع حضور دانشجویان شدند. در برنامه‌های معمول دانشگاه افراد با نشان دادن کارت دانشجویی وارد سالن می‌شوند.

در این میان یکی دیگر از دانشجویانی که در این برنامه حضور داشته است، به «فرهیختگان» می‌گوید: «مجموعه‌های مختلف دانشجویی با سلاقی و دیدگاه‌های مختلف از دیرباز تاکنون تحت عنوان جریان دانشجویی به فعالیت و تضارب آرا پرداخته‌اند، ویژگی مشترک این مجموعه‌ها، دانشجوی بودن، جوان بودن و دوری از انگیزه‌های مادی است. جمع شدن چنین ویژگی‌هایی در یک مجموعه همواره برای احزاب و گروه‌های مختلف و سوسه‌برائنگیز بوده است و در دوره‌های مختلف به دنبال سوءاستفاده از این جریان بوده‌اند که در اکثر مواقع ناموفق شده‌اند. اما آنچه که در ما جاری اخیر دیده شد، بیشتر دخالت ارگان‌های خارج از دانشگاه در برگزاری یک مراسم به اسم یک تشکل دانشجویی بود که همین مساله با اعتراض دانشجویان همراه شد.»

دانشگاه علوم پزشکی اعلام کردیم که این برنامه نیازمند حراست ویژه است، اعلام کردند دانشگاه اصفهان دخالت نکند که نتیجه این اتفاق همین موضوعی که پیش آمد شد.»

۹ روایت دوم: معترضان: اعتراض فقط نسبت به حضور بهشتی نبود

در این میان دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان روایت دیگری از این تجمع دارد. او در گفت‌وگویی پیرامون حواشی این جلسه می‌گوید: «دانشگاه جولانگاه احزاب سیاسی نیست و این موضوع مکرراً به مسئولان دانشگاه تذکر داده شده، اما از طرف مسئولان دانشگاه گوش شنوایی وجود نداشته است. امروز نیز مشاهده می‌کنیم که تشکلی قصبرگرانی برنامه‌ای پیرامون شهید دکتر بهشتی را دارد، اما بدخال‌های شهرداری اصفهان وضع وادادگی مسئولان دانشگاه، باعث به‌حاشیه‌راندن تشکل دانشجویی می‌شود، تا حدی که برنامه یک‌روزه، با نظر شهرداری تبدیل به برنامه سه‌روزه پر حاشیه‌ای شده که مدنظر تشکل مذکور نبوده است و حاصل این نگاه تبدیل شدن دانشگاه‌های اصفهان و علوم پزشکی به ابزاری برای شهرداری و احزاب سیاسی جهت دستیابی به منافع حزبی خودشان است.» او ادامه می‌دهد: «در حالی که دانشجویهای معترض بیرون

شهید بهشتی» با همکاری دانشگاه اصفهان برای خانه شهید بهشتی ارسال کردیم. این پیشنهاد با استقبال خوبی روبرو شد و به مناسبت نودمین سالگرد تولد این شهید بزرگوار، برنامه «من بهشتی هستم» با موضوع «گفت‌وگو: کلید رشد فرزندان» و محوریت فعالیت تشکل‌های دانشجویی از روز دوشنبه ۲۱ آبان در دانشگاه اصفهان برگزار شد.» او با بیان اینکه برخی از جریان‌های مخالف به این بهانه که سید علیرضا بهشتی اجازه حضور و سخنرانی در برنامه را ندارد، مراسم را به هم زدند، ادامه داده است: «باید توجه داشت که هیچ قانونی مبنی بر ممنوعیت سخنرانی وی وجود ندارد و دستگاه‌های امنیتی نیز در این زمینه مشکلی را اعلام نکردند.»

از سوی دیگر ابراهیم رضایی، مدیرکل فرهنگی دانشگاه اصفهان نیز در گفت‌وگویی با ایسنا گفته است: «آنهايي که این برنامه را به هم زدند، باید پاسخگوی این اتفاق باشند. عده‌ای معتقد بودند ایشان اهل بصیرت نیست و به این بهانه جلسه را به هم زدند و نظم و انضباط دانشگاه را به هم ریختند. برنامه «من بهشتی هستم» از دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه اصفهان دارای مجوز بوده است، از سوی دیگر حضور آقای علیرضا بهشتی نیز از هر دو دانشگاه مجوز داشته است.» البته او ادامه داده است: «من در جریان اتفاقاتی که در سالن شریعتی می‌افتاد بودم، اما وقتی به حراست

اواخر هفته گذشته بود که لغو برنامه‌ای در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. ماجرا از این قرار است که معاون فرهنگی دانشگاه اصفهان با همکاری دانشگاه علوم پزشکی این استان و شهرداری اصفهان اقدام به برگزاری سلسله همایش‌هایی با عنوان «من بهشتی هستم» به مناسبت نودمین سالگرد تولد شهید بهشتی به میزبانی تشکل انجمن راه امید این دانشگاه می‌کند؛ که نخستین برنامه با عنوان «بازخوانی دیدگاه‌های شهید بهشتی در حوزه توسعه اقتصادی با حضور فرشاد مومنی و دومین روز نیز با موضوع دین و حاکمیت دینی با حضور سید محمد رضا بهشتی، فرزند ارشد شهید بهشتی برگزار می‌شود. اما در حاشیه برگزاری سومین برنامه که با حضور سید علیرضا بهشتی همراه بوده است، این مراسم با اعتراض جمعی از دانشجویان نیمه کاره می‌ماند.

۹ روایت اول: مسئولان دانشگاه: معترضان مقصر هستند

جعفر شاذلی، معاون فرهنگی دانشگاه اصفهان در گفت‌وگو با ایسنا در باره حاشیه‌های این مراسم گفته است: «بنده و معاون شهردار اصفهان چند ماه پیش درخواستی را مبنی بر برگزاری برنامه‌ای با عنوان «احیای اندیشه‌های